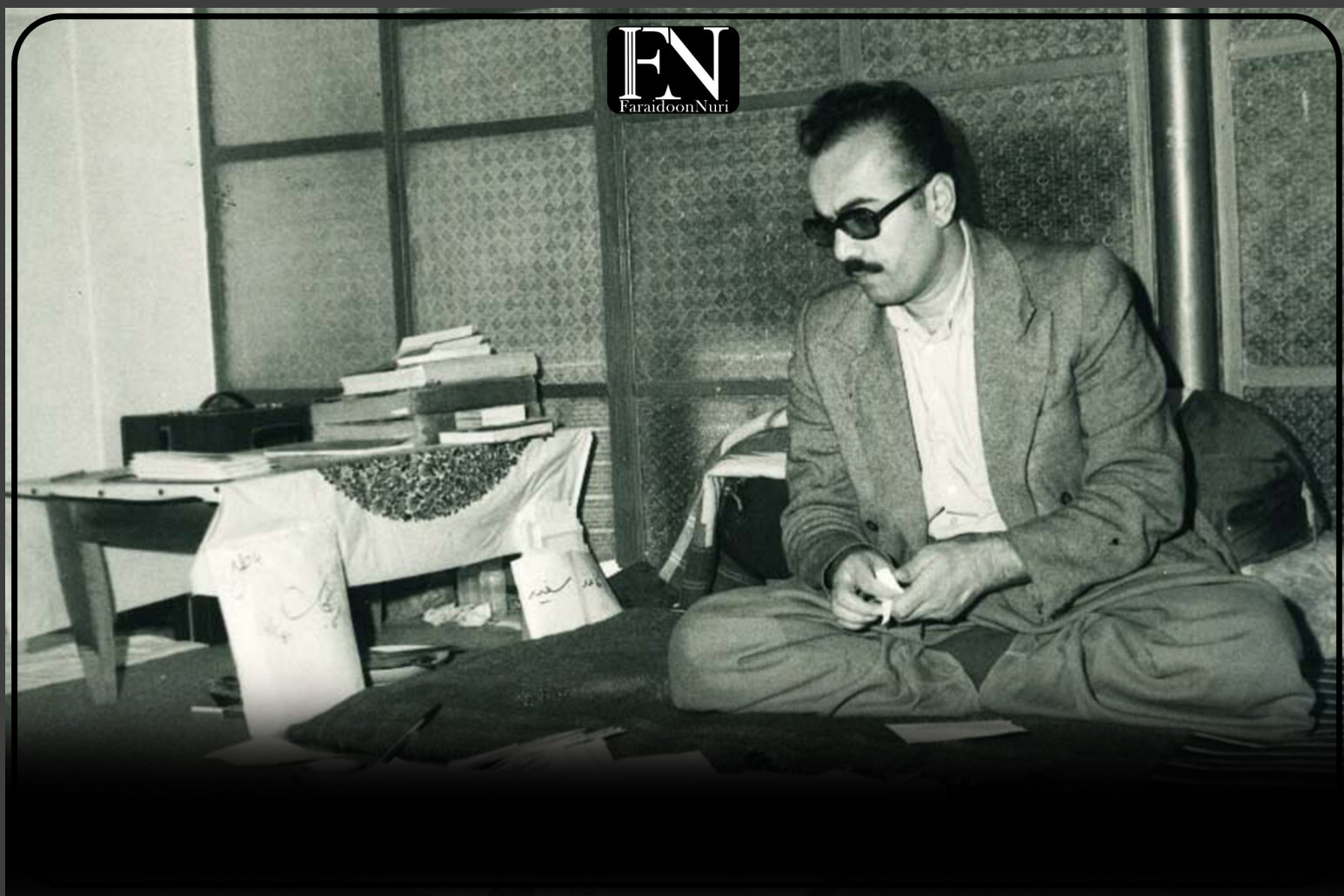




۲۰ بهمن سالروز درگذشت شادروان کاک احمد مفتی‌زاده از چهره‌های نامدار و عالمان نواندیش دینی و رهبران تأثیرگذار انقلاب در ایران و کردستان است. خانواده مفتی یکی از تأثیرگذارترین خاندان تاریخ معاصر کردستان در زمینه ترویج و تبیین مفاهیم دینی و نیز توسعه و ترویج فرهنگ ملی و آیینی بوده‌اند. جدش علامه مفتی دشه‌ای و پدرش مرحوم استاد محمود مفتی‌زاده و عموهایش همه از چهره‌های صاحب‌نام و ماندگار حوزه فرهنگ و دیانت در کردستان در روزگار خود بوده‌اند. پدرش ماموستا محمود مفتی‌زاده از عالمان نامدار روزگار خود بود و به همراه حاج رحمان آغا مهتدی از بنیان گذران و استادان فقه شافعی دانشگاه تهران بود.



فریدون نوری



پدرش ماموستا محمود مفتی‌زاده از عالمان نامدار روزگار خود بود و به همراه حاج رحمان آغا مهتدی از بنیان گذران و استادان فقه شافعی دانشگاه تهران بود. حضور گاه‌وبیگاه کاک احمد جوان که تحصیل کرده مدارس و حجرهای علوم دینی کردستان بود در دانشگاه تهران و توانایی و احاطه او بر محتوای دروس معقول و منقول در فقه شافعی توجه و تحسین آقای مهتدی را برانگیخت و این رابطه سرانجام موجبات وصلت ایشان با خدیجه خانم مهتدی را فراهم نمود. پس از آنکه عمویش ماموستا ملا خالد مفتی‌زاده مدرس برجسته مدرسه علوم دینی و حاکم شرع مردمی کردستان که با پیشنهاد قضات وقت و تأیید دستگاه قضای سال‌ها حاکم شرع و مسئولیت رسیدگی به امور حسبی و احوال‌شخصیه مردم کردستان را عهده‌دار بود، در سال ۵۵ از این مسئولیت کناره‌گیری کرد به پیشنهاد قضات کردستان کاک احمد مسئولیت رسیدگی به این امور را متقبل و تا پیروزی انقلاب در این جایگاه منشأ خدمات مثبت و محل رجوع و حل‌وفصل دعاوی مربوط به احوال شخصی مردم بود. او که مانند اکثر اعضا خاندانش بر زبان و ادبیات کلاسیک کردستان احاطه داشت مدتی در رادیو کوردی تهران فعالیت نمود او در جوانی و در اوایل دهه چهل به دلیل مبارزه علیه رژیم پهلوی و به اتهام عضویت و نمایندگی حزب دمکرات در تهران از سوی ساواک بازداشت و زندانی شد.



علاقه‌مندی وافر دوستدارانش امکان ارزیابی دقیق کارنامه رهبرانش را برایشان دشوار نموده و عموماً در تلاش جهت توجیه همه رفتارهای این شخصیت هستند تا روایت بی‌طرفانه تاریخ، باری نتیجه عدم توافق و تداوم اختلافات میان جریان‌های سیاسی کردستان هزینه‌های بسیاری بر مردم کورد تحمیل و موجبات شکست و حذف همه این جریان‌ها را

از منت‌هالیه راست و تا رادیکال‌ترین نیروهای چپ را فراهم و در اولین فرصت پس از کنترل نسبی فضای کردستان متحدان سابق وی در تهران و قم که مدت‌ها بود شیوه حکمرانی آنان و خلف وعده‌های مکررشان و تلاش برای به حاشیه راندن پیروان اهل سنت و نیز محتوی برخی اصول قانون اساسی جدید از سوی آقای مفتی‌زاده مورد مخالفت و انتقاد جدی قرار گرفته بود، سرانجام انتقادات این متحد پیشین تأثیرگذار کورد و اهل سنت را تاب نیاوردند و کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها در مسیر فعالیت وی آغاز گردید. پس از ترک سنندج به دلیل عدم امکان فعالیت در این شهر و ادامه فعالیت‌های وی در کرمانشاه و پس از تشکیل شورای شمس (شورای مرکزی اهل سنت) و در فاصله میان کنگره اول و دوم این تشکل مذهبی دستگیری ایشان و پیروان و اعضا مکتب قرآن و شوری در دستور کار قرار گرفت و از آن تاریخ به مدت ۱۰ سال و تا چند ماه قبل از وفات ایشان در چنین روزی زندانی و عمدتاً در انفرادی بود و خود و دوستانش مورد جفا و اذیت و آزار فراوان واقع شدند. او چنان از جفای هم‌کسوتان مسندنشین خود آزردہ و رنجور بود که در سال‌ها و ماه‌های پایانی عمر خویش به‌ویژه در مدت کوتاهی قبل از وفاتش که برای مداوا بیرون از زندان بود مکرراً و مرتباً دوستان و یاران و اعضا مکتب قرآن را به پرهیز از دخالت در امور سیاسی و ضرورت تزکیه نفس و خودسازی توصیه نموده است. بررسی کارنامه این شخصیت تأثیرگذار فارغ از سوگیری و دوالیزم رایج در روایت‌های عمومی حاکم بر فضای تاریخ معاصر ما برای بازخوانی وقایع تاریخ انقلاب در کردستان یک ضرورت جدی است.



واضح است که شادروان مفتی‌زاده به‌عنوان یک رهبر روحانی و مخالف رژیم استبدادی شاه و سپس به‌مثابه رهبر یکی از جریان‌های مذهبی و سیاسی در کردستان و مدعی حل مسئله کردستان که در آغاز متحد رهبران تهران بود در مقاطع مختلف موضع‌گیری‌های گوناگون و متفاوتی داشته و مانند هر انسان دیگری از خطا و اشتباه مصون نبوده و اعتماد او به وعده‌های فاتحان جدید هزینه‌های جدی و غیرقابل‌انکاری بر خود و رقبایش تحمیل نمود و توصیه مؤکد ایشان برای پرهیز دوستانش از مشارکت در سیاست حاصل تلخکامی از تجربه فعالیت‌های سیاسی خود او و همین نتایجی است که برای خود و همراهان و مردمش در پی داشت. افزون بر این داوری مخالفان و منتقدان وی به‌ویژه گرفتاران در چنبره ایدئولوژی چپ در کردستان در باب نقش و کارنامه‌اش اگر چه خالی از برخی حقایق نیستند؛ اما عمدتاً آمیخته با پیش‌داوری و سوگیری و مشحون قضاوت‌های شتاب‌زده هستند و برای شاهدان منصف این رویدادها و اهل تحقیق آگاه بر حوادث نیم سده اخیر در کردستان هم عدم انطباق این‌گونه روایت‌ها و هم تضاد روایت‌های بعدی قدرت مسلط که او را به بند کشیده بودند درباره شخصیت و کارنامه این شخصیت تأثیرگذار با واقعیت‌های زندگی و اندیشه‌های جوهری و رهیافت‌های دینی و سیاسی واضح و غیرقابل‌انکار است.

می‌توان و طبیعی است که مشی و سلوک سیاسی و کارنامه این شخصیت را به شکل جدی مورد ارزیابی نقادانه قرارداد و با این شیوه سیاست‌ورزی مخالف بود، اما نه می‌توان نقش این خاندان بزرگ در خدمت به فرهنگ کردها را انکار نمود و نه منصفانه است که مقاومت اسطوره‌ای و بی‌نظیر این عالم و مبارز بزرگ را در مقابل فشارها و شکنجه و تسلیم‌نشدن به خواست اصحاب قدرت را نادیده گرفت و به احترامش کلاه از سر برداشت. ایشان اسطوره مقاومت در زندان‌هایی بود که خیلی از مدعیان را وادار به تسلیم و ... نمود. از آنجا که نوشتن مفصل و داوری دقیق و علمی در باب کارنامه و اندیشه آخرین مفتی به دلیل نقش وی می‌تواند بسیاری از زوایای تاریخ معاصر کردستان را روشنی بخشد پرداختن به این مهم امری ضروری می‌تواند موضوع چندین رساله علمی و دانشگاهی و یا تحقیق مستقل باشد. امری که در پرتو تحولات نوین پرداختن به آن بیش از گذشته ضروری می‌نماید. روانش شاد و یاد گرامی باد.

